

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

بهرام رحمانی
۲۳ جنوری ۲۰۲۵

کابینه ۳۴۰ میلیارد دلاری دونالد ترامپ، کابینه‌ای برای میلیاردها

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور منتخب امریکا، با انتخاب میلیاردرها و میلیونرهای برجسته برای پست‌های کلیدی دولت خود، در حال تشکیل یکی از ثروتمندترین کابینه‌های تاریخ ایالات متحده است. مجموع دارائی اعضای پیشنهادی کابینه ترامپ به حدود ۳۴۰ میلیارد دالر می‌رسد، رقمی که به‌طور قابل‌توجهی کابینه‌های پیشین، از جمله دولت اول خود ترامپ در سال ۲۰۱۶، را پشت سر می‌گذارد.

به این ترتیب، می‌توانیم بگوئیم که عمر دولت‌های لیبرال، رفرمیست، دموکرات، پوپولیست و غیره حامی سرمایه‌داری به پایان رسیده و خود سرمایه‌داران از سایه دولت‌های بیرون می‌آیند و حاکمیت خود را به مرحله اجرا می‌رسانند. این در حالی است که ترامپ در طول کمپین‌های انتخاباتی خود از جمله در انتخابات ۲۰۲۴، به‌عنوان یک سیاست‌مدار ظاهر شده بود. اکنون بسیاری معتقدند که انتخاب میلیاردرها برای اداره بخش‌هایی که مستقیماً با خدمات عمومی و رفاهی مرتبط هستند، با وعده‌های حمایتی او از مردم عادی در تضاد است.



ترکیب کابینه: از میلیاردرها تا مدیران مالی بزرگ

حداقل ۱۱ نفر از افرادی که ترامپ برای پست‌های کلیدی دولت آینده انتخاب کرده است، یا میلیاردر هستند، یا همسران‌شان میلیاردر بوده و یا به آستانه این طبقه ثروتمند نزدیک هستند. این کابینه نه تنها ثروتمندترین در تاریخ امریکا خواهد بود، بلکه فاصله‌ای آشکار با کابینه دولت فعلی جو بایدن دارد که مجموع دارائی آن تنها ۱۱۸ میلیون دالر تخمین زده شده است. مصاف برای که خود میلیاردر حامی دولت بایدن بودند و پستی رسمی دولتی نداشتند.

از برجسته‌ترین اعضای این کابینه می‌توان به ایلان ماسک، مدیرعامل تسلا و اسپیس‌اکس و ثروتمندترین فرد جهان، اشاره کرد. ماسک به‌همراه ویوک راماسوامی، دیگر سرمایه‌دار حوزه فناوری با ثروتی بیش از یک میلیارد دلار، ماموریت دارند یک دپارتمان جدید دولتی به نام «دپارتمان بهره‌وری دولت» (Doge) ایجاد کنند. وظیفه این دپارتمان، کاهش هزینه‌های اضافی از بودجه عمومی است، و ماسک وعده داده است که دو تریلیون دلار از بودجه ملی کاهش یابد.

برخی از مهم‌ترین اعضای پیشنهادی ترمپ برای کابینه عبارتند از:

لیندا مک‌ماهون: نامزد وزارت آموزش و مدیر اجرایی پیشین شرکت جهانی کشتی حرفه‌ای (WWE). شوهر او، وینس مک‌ماهون، ثروتی حدود ۳ میلیارد دلار دارد.

داگ برگوم: فرماندار داکوتای شمالی و تاجر پیشین، به‌عنوان وزیر کشور انتخاب شده است.

هاوارد لانتیک: رئیس و مدیرعامل شرکت کانتور فیتزجرالد، نامزد وزارت بازرگانی.

اسکات بسنت: مدیر سرمایه‌گذاری و شریک پیشین در مدیریت سرمایه سوروس، به‌عنوان وزیر خزانه‌داری.

مجموع دارایی این افراد به بیش از ۷/۱۰ میلیارد دلار می‌رسد که ۵/۴ میلیارد دلار بیش‌تر از کابینه نخست ترمپ در سال ۲۰۱۶ است.

برخی دیگر از چهره‌های برجسته که ترمپ برای پست‌های کلیدی در نظر گرفته است، شامل این افراد می‌شوند:

چارلز کوشنر: تاجر املاک و پدر داماد ترمپ، به‌عنوان سفیر امریکا در پاریس.

وارن استفنز: رئیس یک بانک سرمایه‌گذاری، نامزد سفیر امریکا در لندن.

جرد آیزاکمن: فضاورد تجاری و سرمایه‌دار، به‌عنوان رئیس ناسا.

فرانک بیسیگناتو: رئیس شرکت فین‌تک Fiserv Inc، به‌عنوان رئیس اداره امنیت اجتماعی. او مسئول مدیریت حقوق بازنشستگی و خدمات رفاهی بازنشستگان خواهد بود.

همچنین، گزارش‌ها حاکی از آن است که **استفان فابنبرگ**، یک سرمایه‌گذار بزرگ و رئیس شرکت مدیریت سرمایه سربروس، پیشنهاد معاونت وزارت دفاع را دریافت کرده است.

تناقض میان شعارهای مردمی و ترکیب کابینه

این انتخاب‌ها تضادی آشکار با شعارهای پوپولیستی ترمپ دارد. او در کمپین‌های انتخاباتی خود، بارها از مشکلات اقتصادی مردم سخن گفته و وعده داده بود که ثروتمندان و نخبگان فاسد را از قدرت کنار بزند. با این حال، اکنون او دولتی متشکل از افراد فوق‌ثروتمند ایجاد کرده که بسیاری از آن‌ها مستقیماً از نخبگان اقتصادی هستند.

منتقدان می‌گویند هدف اصلی این کابینه، کاهش مالیات برای ثروتمندان و کاهش هزینه‌های عمومی در حوزه‌هایی مانند آموزش، امنیت اجتماعی و خدمات درمانی برای اقشار کم‌درآمد است.

دیوید کس، مدیر اجرایی انجمن «مالیات منصفانه برای امریکایی‌ها»، کابینه ترمپ را به‌عنوان یک «دولت از میلیاردرها برای میلیاردرها» توصیف کرده است. او اظهار داشت که کاهش مالیات ثروتمندان به قیمت کاهش خدمات عمومی برای طبقات ضعیف تمام خواهد شد.

در مقابل، **متیو کینگ**، محقق «بنیاد مارشال آلمان»، معتقد است که ترمپ توانسته است با استفاده از دغدغه‌های طبقه کارگر، حمایت آن‌ها را جلب کند. او می‌گوید: «ترمپ با تاکید بر خدا، خانواده و میهن‌پرستی، پیامی ارائه داده که برای طبقه کارگر بیش‌تر از پیام‌های مترقی دیگر سیاستمداران طنین‌انداز بوده است.»

تشکیل کابینه‌ای متشکل از میلیاردرها و میلیونرها، در حالی که ترمپ خود را مدافع مردم معرفی می‌کند، بحث‌های زیادی را برانگیخته است. اگرچه این ترکیب ممکن است از نظر مدیریت اقتصادی و سرمایه‌گذاری موثر به نظر برسد، اما تأثیر آن بر خدمات عمومی و نابرابری اجتماعی جای سؤال دارد. منتقدان هشدار می‌دهند که تمرکز قدرت اقتصادی در چنین سطحی ممکن است منجر به تقویت اولیگارشی و تشدید شکاف طبقاتی در جامعه امریکا شود.

سرمایه‌داری یا کاپیتالیسم

سرمایه‌داری (CAPITALISM) یا کاپیتالیسم، یک ساختار و بنیان اقتصادی است که اصالت را به مالکیت خصوصی افراد و سودآوری بنگاه‌های تولید کالا و خدمات می‌داند. برای نظام سرمایه‌داری، اخلاق و محیط زیست، فرع و آنچه اصل است، سود به هر قیمتی است. یعنی نگاه در کاپیتالیسم، نگاه تک بعدی در مقابل نگاه پایدار محور چند بعدی است. پس در کاپیتالیسم، چه خوب و چه بد، با تمرکز بر روی مالکیت خصوصی مواجه هستیم. داستان کاپیتالیسم و امپریالیسم، کسب سود به هر قیمتی است. نظام سرمایه‌داری، نظامی است که سرمایه محوری در آن اولویت دارد. در این نظام، مالکان خصوصی مثل کارتل‌های نفتی و سهام‌داران بزرگ شرکت‌های بازار سرمایه، از ابزارهای تولید به منظور کسب سود حداکثری و استثمار شدید نیروی کار بهره می‌برند و حامی مالکیت شخصی هستند. منظور از سرمایه، کالاهای مختلف از زمین و کارخانه و محصولات زراعی گرفته تا محصولات دیجیتالی که دارایی‌های غیرملموس هستند.

بازاری که کاپیتالیسم برای خودش طراحی کرده است و در آن فعالیت می‌کند، با دیگر بازارهای مکتب‌های اقتصادی فرق دارد. مشخصه شاخص بازار کاپیتالیسم، تولید کالا برای کسب سود اقتصادی به هر قیمتی است. در بازار کاپیتالیسم، سود، اولویت اول است و نیازهای انسانی، در درجات بعدی اهمیت قرار دارد. در کاپیتالیسم، هر چیزی برای سودآوری بیشتر بنگاه، طراحی، تولید و عرضه و بازاریابی و به فروش می‌رسد و لزوماً، اهمیتی ندارد که این کالا و خدمات، تا چه اندازه، پاسخگوی نیازهای حال و آینده جامعه هدف است. اهمیتی ندارد که تولید کالا و خدمات، تا چه اندازه مخرب محیط زیست است. اهمیتی ندارد که مبانی توسعه پایدار رعایت می‌شود یا خیر. اهمیتی به کسب و کار سبز می‌دهد. زیاد اهمیت ندارد که محصول عرضه شد، برای سلامت انسان‌ها مفید است یا خیر.

داستان کاپیتالیسم، از صدها سال پیش تا کنون مورد بحث و بررسی جامعه‌شناسان، اقتصاددانان، سیاست‌مداران، فعالان مدنی و محققان در حوزه‌های میان رشته‌ای بوده و هست. اقتصاد سرمایه‌داری از اروپا و شرق آغاز شد و در قرن نوزدهم به بعد، فراگیر شد و شاید پایه رشد بازارهای پولی و بانکی و مالی و بورس، همین تفکر باشد. نظریه‌پردازان معروفی در عرصه نظام سرمایه‌داری فعال بودند که بعضاً، موفق به دریافت جایزه نوبل اقتصاد سوئدی‌ها شدند. ماکس هورکهایمر، تئودور آدورنو، هربرت مارکوزه، والتر بنیامین، زیگموند کراکار، فردریش پولاک، فرانکس نویمان، لیو لوونتال، اریش فروم، هلموت رایشلشت، یورگن هابرماس، اکسل هونت، جوزف شومپیتر و ادام اسمیت، نام‌هایی هستند که به صورت مستقیم یا غیر مستقیم در حمایت یا ضد سرمایه‌داری، دیدگاه‌ها و نظریه‌های موثر و قابل اعتنائی را مطرح کردند که مورد استفاده محققان و دانشجویان اقتصاد و مدیریت و کسب و کار قرار دارد. اما منتقد اصلی سرمایه‌داری و همچنین چگونه می‌شود از ستم و استثمار و نابرابری سرمایه‌داری رها شد کارل مارکس مطرح و صاحب‌نظر است.

مارکس دولت را یک تشکل اجتماعی ضروری نمی‌داند. او می‌گفت همین که اختلاف طبقاتی از بین برود، دولت رو به زوال می‌گذارد. چون دولت از نظام طبقاتی پدیدار شده است، پس زمانی که نظام طبقاتی از بین برود، دولت هم به سادگی علت وجودی خود را از دست می‌دهد.

دولت سرمایه‌داری (Capitalist State) مفهومی است که عمدتاً در آثار مارکسیستی مطرح شده است. مارکسیست‌ها برخلاف پلورالیست‌ها، که دولت را داور بی‌طرف می‌دانستند، دولت را کاملاً طرفدار یک گروه اجتماعی خاص قلمداد می‌کردند و می‌کنند.

آن‌ها در مجموع چنین استدلال کرده‌اند که نمی‌توان دولت را جدا از ساختار اقتصادی جامعه درک کرد. غالباً از این دیدگاه چنین برداشت شده است که دولت فقط ابزار سرکوب طبقات است. یعنی دولت از نظام طبقاتی برمی‌آید و بازتاب آن است.

کارل مارکس نظریه‌ای نظام‌مند درباره دولت ارائه نکرد. وی به‌طور کلی معتقد بود که دولت بخشی از روبنائی است که زیربنای اقتصادی، یعنی بنیاد واقعی زندگی اجتماعی، آن را تعیین یا مشروط می‌کند.

در نوشته‌های مارکس «مانیفست کمونیست»، آمده است: «قوه اجرائی دولت مدرن، چیزی نیست مگر کمیته مدیریت امور مشترک کل بورژوازی.»

از این منظر، دولت به‌طور آشکار به جامعه و به‌طور کامل به طبقه مسلط اقتصادی، که در نظام سرمایه‌داری همان طبقه بورژوازی است، وابسته است.

با این همه، تلقی مارکس از دولت به‌طور کامل منفی نبود. او معتقد بود که در دوره گذار از سرمایه‌داری به کمونیسم می‌توان از دولت به‌صورت «دیکتاتوری انقلابی پرولتاریا» استفاده‌ای سازنده کرد. براندازی سرمایه‌داری مقارن خواهد بود با نابودی دولت بورژوائی و برقراری دولتی جانشین، که دولتی پرولتری است.

مارکس در توصیف دولت «دیکتاتوری پرولتاریا»، نظریه نخستین دولت را به کار برد و دولت را ابزاری دانست که طبقه مسلط اقتصادی (اکنون دیگر پرولتاریا) با آن می‌تواند طبقات دیگر را سرکوب و مطیع کند. از این چشم‌انداز، همه دولت‌ها چه سرمایه‌داری و چه پرولتری دیکتاتوری طبقاتی‌اند. حال بعدها احزاب سوسیال دموکرات از شوروی سابق تا قلب اروپا، احزاب خود را به جای دولت پرولتری به قدرت رساندند در حالی که مارکس در رابطه با دولت حزبی سخنی به میان نیاورده است. طبقه پرولتر یعنی اکثریت جامعه و اکثریتی که همه نیازهای بشر را تولید می‌کند.

با این حال، مارکس دولت را یک تشکل اجتماعی ضروری نمی‌داند. او می‌گفت همین که اختلاف طبقاتی از بین برود، دولت رو به فرسایش می‌گذارد. یعنی جامعه کاملاً کمونیستی، جامعه‌ای بی‌دولت خواهد بود. چون دولت از نظام طبقاتی پدیدار شده است، پس زمانی که نظام طبقاتی از بین برود، دولت هم به سادگی علت وجودی خود را از دست می‌دهد. بنابراین از نظر مارکس، دولت سرمایه‌داری در صورتی که این نظام اقتصادی از بین نرود، پدیده‌ای مانا خواهد بود.

اساساً از این بحث مارکس نزدیک به دوپست سال گذشته است و اکنون نیازی به دولت نیست و جامعه می‌تواند از طریق شوراها و سایر تشکل‌های خود و با برقراری دموکراسی مستقیم نه نیابتی (پارلمانی)، جامعه با به بهترین وجهی مدیریت کند.

اما میراث دووجهی مارکس فرصت زیادی برای مارکسیست‌های جدید فراهم کرد تا تجزیه و تحلیل قدرت دولت سرمایه‌داری را پیش‌تر ببرند. نوشته‌های آنتونی گرامشی، مارکسیست ایتالیایی نیز به این جریان کمک کرد. گرامشی تأکید می‌کرد که سلطه طبقه حاکم در جامعه سرمایه‌داری نه فقط با اعمال فشار آشکار بلکه از راه کنترل ایدئولوژیک

به‌دست آمده است. به‌منظر او، سلطه بورژوائی به‌طور عمده از راه هژمونی حفظ شده است: یعنی از راه رهبری فکری یا کنترل فرهنگی؛ و دولت در این فرایند نقش مهمی بر عهده دارد.

در دهه ۱۹۷۰ «الف میلیباند» در کتاب «دولت در جامعه سرمایه‌داری» بر این نکته تأکید کرد که بیش‌تر نخبگان دولت برآمده از طبقه ممتاز و مالک‌اند؛ بنابراین جهت‌گیری دولت به سود سرمایه‌داری، نتیجه همپوشانی زمینه‌های اجتماعی کارمندان و دیگر مقامات دولتی از یک‌سو، و بانکداران، رهبران و گردانندگان صنایع از سوی دیگر است. به سخن دیگر، هر دو گروه نماینده طبقه سرمایه‌دارند.

در یک کلام نقش دولت در نظام سرمایه‌داری، این است که در خدمت منافع درازمدت سرمایه‌داری باشد؛ حتی اگر این اقدامات با مقاومت بخش‌هایی از خود طبقه سرمایه‌داری مواجه شود.

در واقع از زمان مارکس تا اواخر قرن بیستم و اوایل قرن بیست‌ویکم، مارکسیست‌ها به درک واقع‌بینانه‌تری از «دولت سرمایه‌داری» رسیدند و دیگر به راحتی نمی‌توان منکر سرشت خصلت ضددموکراتیک دولت شد. بنابراین، امروزه تمایلات براندازنه مارکسیست‌ها در قبال دولت‌های سرمایه‌داری جهان غرب، به مراتب بیش‌تر از دوران‌های گذشته است. همه دولت‌های کنونی جهان در کشورهای دمکراتیک غرب در بهترین حالت، با آرای کمی بالاتر از ۵۰ درصدی به قدرت می‌رسند اما در قاره‌های دیگر جهان دیکتاتور‌ها، انتخابات را نمایشی برگزار می‌کنند.

پیروزی ترمپ بردارانی ۱۰ ثروتمند بزرگ جهان افزود

به گزارش یورور نیوز، دارانی ۱۰ فرد ثروتمند جهان که اکثراً از میلیاردرهای فناوری ایالات متحده هستند پس از پیروزی دونالد ترمپ در انتخابات ریاست جمهوری، به میزان بی‌سابقه‌ای افزایش یافته است.

بلومبرگ در گزارشی برآورد کرده که ۱۰ ثروتمند جهان در روز چهارشنبه ۶ نوامبر نزدیک به ۶۴ میلیارد دلار (حدود ۴۹.۵ میلیارد پوند) به دست آورده‌اند، که بزرگ‌ترین افزایش روزانه از سال ۲۰۱۲ است.

ایلان ماسک، ثروتمندترین فرد جهان، با ۲۶.۵ میلیارد دلار افزایش، بیش‌ترین افزایش دارایی را ثبت کرد و ثروتش به ۲۹۰ میلیارد دلار رسید. او که از حامیان برجسته کمپین ترمپ بود بیش‌تر این افزایش را از افزایش قیمت سهام تسلا، شرکت خودروسازی برقی که مدیرعامل آن است و ۱۳ درصد سهام آن را در اختیار دارد، کسب کرده است.

این افزایش‌ها در حالی رخ داد که رهبران کسب‌وکارهای فناوری، از جمله جف بزوس از آمازون، مارک زاکربرگ مدیرعامل شرکت مادر فیس‌بوک یعنی متا، و تیم کوک از اپل به‌طور عمومی پیروزی ترمپ را در انتخابات تبریک گفتند.

بخش عمده‌ای از افزایش ثروت ۱۰ فرد برتر به دلیل افزایش سهام امریکا در روز چهارشنبه حاصل شده چرا که سرمایه‌گذاران انتظار دارند که سیاست‌های مالیاتی کمتر سخت‌گیرانه و کاهش مقررات محدودکننده در دولت ترمپ در دستور کار قرار گیرد.

جف بزوس، بنیان‌گذار آمازون و دومین فرد ثروتمند جهان هم ۷ میلیارد دلار به ثروت تقریباً ۲۳۰ میلیارد دلاری خود افزوده است. همچنین دارایی لری الیسون، رئیس شرکت نرم‌افزاری اوراکل، هم نزدیک به ۱۰ میلیارد دلار افزایش یافت و به عدد ۱۹۳ میلیارد دلار رسید.

سایر اعضای این فهرست ۱۰ فرد ثروتمند که ثروتشان افزایش یافته شامل بیل گیتس، بنیان‌گذار مایکروسافت، استیو بالمر، مدیرعامل سابق مایکروسافت، و بنیان‌گذاران گوگل، لری پیج و سرگئی برین بودند.

با این حال، ترمپ در طول کمپین خود از گوگل ناراضی بود و در ماه سپتامبر تهدید کرده بود که اگر در انتخابات پیروز شود، به وزارت دادگستری دستور خواهد داد تا اتهامات کیفری را علیه این شرکت مطرح کند. ترمپ ادعا کرده بود که گوگل اخبار

منفی درباره او را نمایش می‌دهد اما درباره رقیبش، کامالا هریس، چنین سیاستی را دنبال نمی‌کند. گوگل البته این اتهام آقای ترمپ را بی‌اساس خوانده بود.

تنها عضو طبقه ثروتمندان جهان که در روز چهارشنبه ارزش دارایی‌اش کاهش یافت، برنار آرنو، غول کالاهای لوکس فرانسوی بود که ثروتش نزدیک به ۳ میلیارد دلار کمتر شد.

ثروت زاکربرگ هم به میزان ۸۱ میلیون دلار کاهش یافت که در مقابل دارایی‌های ۲۰۲ میلیارد دلاری او تقریباً معادل صفر است. این کارآفرین هم در لیست سیاه دونالد ترمپ قرار دارد و رئیس جمهور منتخب آمریکا در ماه اوت او را تهدید کرده بود که به اتهام «توطئه علیه ترمپ در انتخابات ۲۰۲۰» او را به حبس ابد محکوم خواهد کرد.

نیل ویلسون، تحلیلگر ارشد شرکت بازارهای سرمایه‌گذاری خصوص تغییرات صورت گرفته می‌گوید تاکید ترمپ به شعار «اول آمریکا» و همچنین «دوباره عظمت را به آمریکا برگردانیم» باعث شده تا ارزش سهام در بازارهای این کشور افزایش یابد.

او در ادامه می‌گوید: «این به دلیل چشم‌انداز کاهش مالیات‌ها و کاهش مقررات در بخش‌های مختلف مانند بانک‌ها، انرژی و فناوری، همراه با افزایش امید برای نتیجه انتخاباتی شفاف و بدون مناقشه بود. این چشم‌انداز که البته هر سرمایه‌دار آمریکایی از آن استقبال می‌کرد تا پیش از برگزاری انتخابات به هیچ وجه قطعی نبود و به همین دلیل هم ما شاهد اوج‌گیری قابل توجه بازارها بوده‌ایم.»

بر اساس گزارش بلومبرگ تغییر دارایی افراد ثروتمند از ۵ نومبر تا ۶ نومبر ۲۰۲۴ به شرح ذیل بوده است:

- ۱- ایلان ماسک ۲۹۰ میلیارد دلار (+۱۰.۱٪)
- ۲- جف بزوس ۲۲۸.۳ میلیارد دلار (+۳.۲٪)
- ۳- مارک زاکربرگ ۲۰۲.۵ میلیارد دلار (۰٪)
- ۴- لری الیسون ۱۹۳.۵ میلیارد دلار (+۵.۴٪)
- ۵- برنار آرنو ۱۷۳.۲ میلیارد دلار (-۱.۶٪)
- ۶- بیل گیتس ۱۵۹.۵ میلیارد دلار (+۱.۲٪)
- ۷- لری پیج ۱۵۸.۳ میلیارد دلار (+۳.۶٪)
- ۸- سرگئی برین ۱۴۹.۱ میلیارد دلار (+۳.۶٪)
- ۹- وارن بافت ۱۴۷.۸ میلیارد دلار (+۵.۴٪)
- ۱۰- استیو بالمر ۱۴۵.۹ میلیارد دلار (+۲٪)



بالا و پائین پریدن‌های ایلان ماسک در یکی از سخنرانی‌های دونالد ترمپ بسیار مورد توجه رسانه‌ها قرار گرفته بود

Evan Vucci/Copyright 2024 The AP. All rights reserved

سلام هیتلری ایلان ماسک در جریان مراسم تحلیف دونالد ترامپ

بسیاری در شبکه اجتماعی ایکس (توییتر سابق) که تحت مالکیت اوست، این حرکت را به سلام نازی‌ها تشبیه کرده‌اند. ماسک، ثروتمندترین مرد جهان و متحد نزدیک دونالد ترامپ، هنگام این حرکت در مراسم تحلیف در محل کنگره آمریکا مشغول حرف زدن بود.

او که ۵۳ ساله است پس از دومین حرکت با دست گفت: «قلبم برای شماسنت، به لطف شماسنت که آینده تمدن تضمین شده است.»

کلر اوبین، مورخ و متخصص در تاریخ جنبش نازیسم در ایالات متحده، گفته است که ژست ماسک یک «زیگ هایل» یعنی سلام نازی‌ها بود.

وی با اشاره به کسانی که این حرکت اشاره آشکار به نازی‌ها دانسته‌اند در ایکس نوشت: «نظر حرفه‌ای من این است که حق با شماسنت، به چشم‌تان اعتماد کنید.»

روث بن غیات، استاد تاریخ در دانشگاه نیویورک، گفته است: «مورخ فاشیسم در این‌جاست. این حرکت سلام نازی‌ها و همچنین حرکتی بسیار ستیزه‌جویانه بود.»

رسانه‌های ایتالیایی گزارش دادند که آندره استروپا، از نزدیکان ماسک و رابط او با جورجیا ملونی، نخست‌وزیر راست‌گرای ایتالیا، کلیپ ماسک را با این عنوان منتشر کرد: «با سلام نظامی رومی‌ها، امپراتوری روم بازگشته است.» در ایتالیا حزب فاشیست به رهبری بنیتو موسولینی سلام رومی را به‌طور گسترده به کار می‌برد و بعداً آدولف هیتلر آن را در آلمان رواج داد.

رسانه‌های ایتالیایی گفته‌اند استروپا بعداً پست خود را حذف کرد. او در پست دیگری نوشت: «آن ژست که برخی آن را با سلام نازی‌ها اشتباه گرفتند، صرفاً حرکت طبیعی ایلان است که او تیسیم دارد و احساسات خود را با گفتن این‌که می‌خواهم قلبم را به شما بدهم بیان می‌کند.»

او افزود: «این دقیقاً همان نظری است که او پشت میکروفون اظهار کرد. ایلان از افراط‌گرایان بیزار است!» این ژست زمانی خیرساز می‌شود که رویکرد سیاسی ماسک به‌طور فزاینده‌ای به راست متمایل شده است. او اخیراً در حمایت از حزب نژادپرست و راست افراطی «ای‌اف‌ی» آلمان و حزب رفورم یوکی بریتانیا که مخالف مهاجرت است، سخنانی گفته است.

ماسک به یکی از نزدیکترین متحدان ترامپ تبدیل شده است و برای رهبری تشکیلاتی انتخاب شده است که رئیس‌جمهور آن را وزارت کارآمدی دولت می‌نامد.



هزینه ۲۵۰ میلیون دلاری مراسم تحلیف ترمپ؛ مشارکت میلیاردرها و شرکت‌های ارز مجازی

هزینه مراسم تحلیف دونالد ترمپ به عنوان چهل و هفتمین رئیس جمهور امریکا ۲۵۰ میلیون دلار اعلام شده است. جمعی از میلیاردرهای جهان و شرکت‌های فعال در زمینه ارزهای مجازی در تأمین این هزینه مشارکت داشته‌اند. برگزاری مراسم سوگند ریاست جمهوری در امریکا میلیون‌ها دلار هزینه روی دست این کشور خواهد گذاشت. به گزارش رویترز، هزینه مراسم امروز تحلیف ترمپ ۲۵۰ میلیون دلار اعلام شده است. این هزینه در دوره اول ریاست جمهوری ترمپ ۱۰۷ میلیون دلار اعلام شده بود. جمعی از میلیاردرهای جهان از جمله مدیران شبکه‌های اجتماعی در تأمین این هزینه مشارکت داشته‌اند. نخستین بار شرکت‌های فعال در زمینه ارزهای مجازی هم به جمع کمک‌کنندگان به کارزار سیاسی ترمپ پیوسته‌اند. سه ضلع ثروت، ایلان ماسک، جف بزوس و مارک زاکربرگ - در مراسم تحلیف ترمپ شرکت داشتند و از مهمانان ویژه این مراسم بودند.

هر چند جای تعجب ندارد که ماسک، مدیرعامل تسلا و اسپیس ایکس که بیش از یک چهارم میلیارد دلار به کمپین انتخاباتی ترمپ کمک کرده بود، به مراسم تحلیف دعوت شود. ماسک پس از مبارزات انتخاباتی همچنان دوشادوش ترمپ باقی مانده است و از سوی ترمپ برای رهبری وزارت کارائی دولت جدید انتخاب شده است. بزوس، بنیان‌گذار آمازون که همچنین صاحب روزنامه واشنگتن پست است، در روزهای انتخابات از حمایت از کاملاً هریس در مقابل ترمپ خودداری کرد و به این ترتیب در جایگاه مهمان ویژه رئیس‌جمهور جای گرفته است. شاید عجیب‌ترین خیر مربوط به حضور شوی چو، مدیرعامل تیک تاک باشد که بنا به گزارش‌ها از او دعوت شده است که در همان جایگاهی که سایر مدیران فنی شرکت دارند، نشست. سام آلتمن، مدیرعامل OpenAI، دیگر مدیران حوزه فناوری همچون سوندار پبجای، مدیرعامل گوگل؛ تیم کوک، مدیرعامل اپل؛ و دارا خسروشاهی، مدیرعامل اوبر در این مهمانی حضور داشتند. آلتمن، کوک و خسروشاهی و همچنین شرکت‌های متا، آمازون، گوگل و اوبر اخیراً حداقل یک میلیون دلار به صندوق تحلیف ترمپ کمک کرده‌اند. شرکت‌های فناوری و مدیران آن‌ها به دلیل تغییرات احتمالی در سیاست‌های مالیاتی، سیاست تجاری و اجرای قوانین ضدانحصار، سهم قابل‌توجهی در دور دوم ریاست جمهوری ترمپ دارند. ترمپ ظهر روز دوشنبه بیستم ژانویه به وقت واشنگتن، به‌عنوان چهل و هفتمین رئیس‌جمهور امریکا سوگند یاد کرد.

«چگونه هیتلر در ۵۳ روز دموکراسی را کنار گذاشت.»

ترمپ بعضی چهره‌های معاصر را که دموکراسی بورژوائی را در حکومت‌شان کنار گذاشتند، بی‌اندازه می‌سناید: ویکتور اوربان که از ۲۰۱۰ میلادی نخست‌وزیر مجارستان است، ولادیمیر پوتین که نخستین مرتبه در ۱۹۹۹ میلادی به صندلی قدرت روسیه رسید، کیم جون اون، نسل سوم دیکتاتورهای کره شمالی که از ۲۰۱۱ رهبر این کشور است و شی جین پینگ، رهبر جمهوری خلق چین که از ۲۰۱۲ میلادی بر صندلی قدرت نشسته است. در این میان، تنها جای خامنه‌ای، رهبر جمهوری اسلامی ایران خالی است!

چند روز پیش از مراسم تحویل قدرت به ترمپ، مجله آتلانتیک در یک گزارش مفصل یادآور شد که «چگونه هیتلر در ۵۳ روز دموکراسی را کنار گذاشت.»

ترمپ در مراسم تحلیف خود از جمله گفت: «فقط دو جنس زن و مرد» داریم و مقررات فدرال باید با آن هماهنگ شوند.

مراسم سیاسی امریکا مانند مراسم تحویل قدرت به دونالد ترامپ را اگر کامل تماشا کنید، بسیار به مراسم مذهبی در یک معبد شبیه است.

مراسم با دعای دو کشیش شروع می‌شود. مراسم سوگند دوباره با گستره‌ای از دعای چهره‌های مذهبی و منبرهای آنها تمام می‌شود.

مذهب این مرتبه آماده به مراسم تحویل قدرت در امریکا آمده است، نماد آن «پروژه ۲۰۲۵» است که فرمان‌های ترامپ، اجرایش را شروع کرد.

«پروژه ۲۰۲۵»

ماه‌ها پیش از انتخابات نوامبر ۲۰۲۴ امریکا که دونالد ترامپ در آن برنده شد، ائتلافی از محافظه‌کارترین چهره‌های مذهبی امریکا «پروژه ۲۰۲۵» را با بودجه‌ای ۲۲ میلیون دلاری منتشر کردند. بخشی از این پروژه، یک کتاب نزدیک به یک‌هزار صفحه‌ای است که برنامه ۱۸۰ روز نخست دولت ترامپ در آن ترسیم شده است. نخستین فرمان‌های ریاست‌جمهوری ترامپ، همان مواردی بودند که در این پروژه پیش‌تر معرفی شده بودند. از جمله، فرمانی که مرتبط به موضوع خانواده، جایگاه زن به‌عنوان «فرد تولیدمثل‌کننده» امضا شد.

در صفحات ۲۵۸ تا ۲۶۰ کتاب برنامه عمل ۱۸۰ روز نخست دولت ترامپ در پروژه ۲۰۲۵، موضوع «جابه‌جایی تمرکز از برابری جنسیتی به زنان، کودکان و خانواده‌ها» مطرح می‌شود و ترجمه بخش‌هایی از آن می‌گوید: به‌جای حمایت از حقوق بشر غیرقابل‌انکار زنان و کودکان و تقویت توانایی آنها برای شکوفایی در جامعه، دولت دموکرات پیشین با سیاست‌گذاری‌ها و برنامه‌هایشان آنچه زنانگی و زن است، تقریباً پاک کردند.

کنگره کنونی محافظه‌کار امریکا پیش از سوگند ترامپ، بر حضور زنان ترنس در ورزش دست گذاشت و برایش قانونی تصویب کرد که نمی‌گذارد مراکز با بودجه دولت فدرال به زنان ترنس اجازه حضور در صحنه ورزش زنان را بدهند. قانون باید به سنا برود و هنوز تصویب نهایی نشده است.

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور جدید امریکا، همچنان سخت مشغول امضای فرمان‌های اجرائی است که بسیاری از آنها را در خلال رقابت انتخاباتی خود با کامالا هریس، بارها به هوادارانش وعده داده بود. هم‌زمان برخی از این فرمان‌ها چون لغو حق شهروندی برای نوزادان متولد در خاک امریکا، با واکنش سریع نهادهای حقوق بشری و مدنی و همچنین دولت‌های ایالتی روبه‌رو شده است. رهبران جهان هم در اظهاراتی مختلف به آغاز دور دوم حضور ترامپ در کاخ سفید واکنش نشان داده و حتی به اظهارات ۲۴ ساعت گذشته او پاسخ داده‌اند.

مهم‌ترین واکنش روز سه‌شنبه ۲۱ ژانویه، به فرمان اجرائی لغو حق شهروندی خودکار به نوزادان متولد خاک امریکا، از سوی ائتلافی متشکل از ۱۸ ایالت امریکا بود که مدعی شدند این فرمان رئیس‌جمهور جدید امریکا مغایر قانون اساسی این کشور است.

فرمان اجرائی که روز دوشنبه ترامپ در همان ساعت نخست ورود به کاخ سفید امضاء کرد درصدد است حق شهروندی را از نوزادانی که والدین آنها به طور غیرقانونی در امریکا هستند و یا ویزای موقت دارند سلب کند.

اما شکایتی که ۱۸ ایالت دموکرات امریکا به این فرمان اجرائی کرده‌اند بر مبنای متمم ۱۴ قانون اساسی ایالات متحده است که می‌گوید: «تمام کسانی که در ایالات متحده متولد و یا به تابعیت امریکا درآمده‌اند و شامل قوانین قضائی آن می‌گردند، شهروند ایالت متحده و ایالتی هستند که در آنجا اقامت دارند.»

با این حال، در فرمان اجرائی ترمپ دلیل آورده شده که قرائت فعلی از قانون اساسی ناکامل است و آنجا که در نص قانون آمده «شامل قوانین قضائی آن می‌گردند» ناظر بر این است که این افراد باید فرزندان شهروند امریکائی یا مقیم قانونی و دایمی این کشور باشند.

در صورتی که دادگاه فرمان اجرائی ترمپ را مغایر قانون اساسی بداند او باید برای پیگیری مجدد این فرمان آن را به کنگره ببرد و پیشنهاد تغییر قانون اساسی را طرح کند که در آن صورت باید به رای دو سوم نمایندگان کنگره برسد. اکثر کارشناسان قانون اساسی و حقوق می‌گویند ترمپ تنها با استناد به صدور یک فرمان اجرائی نمی‌تواند حق شهروندی را از متولدین خاک امریکا سلب کند.

نیویورک، کالیفرنیا، کانتیکت، کلرادو، دلاوار، هاوایی، مین، مریلند، ماساچوست، میشیگان، مینه‌سوتا، نوادا، نیوجرسی، نیومکزیکو، کارولینای شمالی، رود آیلند، ورمونت و ویسکانسن ایالاتی هستند که در قالب یک ائتلاف شکایت خود را علیه این فرمان اجرائی آقای ترمپ تقدیم دادگاه کرده‌اند.

ترمپ که از همان روز دوشنبه و به محض ورود به کاخ سفید دوربین‌ها روی میز کار او را مملو از فرمان‌های اجرائی آماده امضاء نشان دادند، در روز دوم سه‌شنبه ۲۱ ژانویه هم چند سند دیگر را امضاء کرد و از طرح‌های بزرگ خود سخن گفت که برخی از خبرسازترین آن‌ها عبارتند از:

سرمایه‌گذاری ۵۰۰ میلیارد دلاری دولت برای ایجاد زیرساخت‌های مرتبط با فناوری هوش مصنوعی وزارت امنیت داخلی امریکا برخلاف پروتکل‌های دولت جو بایدن، مسیر قانونی برای یورش به مدارس و کلیساها با هدف دستگیری مهاجران غیرقانونی را پیش گرفت.

انزیکه تارویو، رهبر سابق گروه افراطی راست‌گرای پسران مغرور - پراید بویز - که در پی یورش ششم ژانویه به کنگره امریکا محاکمه و زندانی شده بود پس از صدور فرمان عفو ترمپ برای حدود ۱۵۰۰ نفر از محکومان آن یورش، امروز از زندان آزاد شد.

بسیاری از دیگر چهره‌های برجسته یورش ششم ژانویه ۲۰۲۱ به کنگره هم امروز از مورد عفو قرار گرفتن توسط ترمپ خبر دادند و از آن ابراز خرسندی کردند.

نخست وزیر گرین‌لند که ترمپ شب گذشته و پس از ورود به کاخ سفید یک بار دیگر از تمایل خود برای انضمام آن به امریکا سخن گفت، در کنفرانس خبری مشترکی با نخست وزیر دانمارک گفت: «ما گرین‌لندی هستیم و تمایلی به امریکائی شدن نداریم. تمایلی به دانمارکی شدن هم نداریم. سرنوشت گرین‌لند را مردم آن تعیین می‌کنند.»

دونالد ترمپ، روز دوشنبه ۲۰ ژانویه، پس از مراسم تحلیف، هم در داخل کنگره و هم بعداً در مقابل جمعیتی که او را تشویق می‌کردند، فرمان‌هایی اجرائی برای محدود کردن مهاجرت، کاهش مقررات زیست‌محیطی و خروج از معاهده بین‌المللی آب‌هوائی پاریس و ممنوعیت کار از خانه کارمندان فدرال را امضاء کرد.

با نخستین فرمان‌های اجرائی ترمپ، نخستین گام‌ها برای اجرای یک برنامه گسترده به منظور توسعه قلمرو ایالات متحده، مهار مهاجرت، تقویت تولید سوخت‌های فسیلی و لغو مقررات زیست‌محیطی در دولت او برداشته شد.

ترمپ گفت هنوز همه فرمان‌های اجرائی آماده‌شده برای روز اول امضاء نشده و او هنگامی که به کاخ سفید برسد، فرمان‌های بیشتری از این دست را امضاء خواهد کرد. اما برخی از فرمان‌های اجرائی امضا شده، این‌ها هستند:

*فرمان لغو ۷۸ فرمان اجرائی، اقدام و دستورات دوران جو بایدن.

*فرمان متوقف شدن هرگونه آئین‌نامه، قانون یا پروتکل جدید در دستگاه‌های دولتی تا هنگام استقرار کامل دولت جدید.

*فرمان بازگشت به محل کار برای همه کارمندان دولت فدرال که به معنی لغو دورکاری این کارمندان است.

*فرمان به همه وزارتخانه‌ها و ادارات دولتی مبنی بر توجه به هزینه‌های زندگی و فرمان توقف موقت استخدام‌های دولتی.

*فرمان خروج امریکا از معاهده اقلیمی پاریس.

*فرمان به همه بخش‌های دولتی برای احیای آزادی بیان و مقابله هرگونه سانسور دولتی که باعث محدودیت آزادی بیان شود

*فرمان پایان دادن به «استفاده تسلیحاتی» از اختیارات دولتی علیه «رقبا و مخالفان سیاسی» در دولت پیشین.

کمی بعد از مراسم تحلیف، نیروهای مرزبانی ایالات متحده برنامه‌ای را که به صدها هزار مهاجر امکان می‌داد با رزرو وقت از طریق تلفن هوشمند به صورت قانونی وارد امریکا شوند، متوقف کردند و وقت‌های از پیش تعیین‌شده آنان لغو شد.

ترمپ هم با رسیدن به کاخ سفید، با امضای فرمانی، در مرزهای جنوبی این کشور وضعیت فوق‌العاده اعلام کرد تا دولت با استناد به آن بتواند اقدامات فوری برای جلوگیری از ورود مهاجران انجام دهد.

ترمپ در سخنرانی تحلیف خود هم گفته بود در مرز جنوبی با مکزیک حالت اضطراری ملی اعلام خواهد کرد و نیروهای نظامی را به آنجا اعزام می‌کند. او گفت سیاستی را از سر می‌گیرد که پناهجویان را مجبور می‌کند تا زمان برگزاری دادگاهشان در مکزیک بمانند و همه این‌ها مقدمه‌ای است برای آنچه او به عنوان عملیاتی بی‌سابقه جهت اخراج میلیون‌ها مهاجر توصیف کرد.

فرمان‌های اجرائی اولیه ترمپ، برخی سیاست‌های دولت بایدن در زمینه هوش مصنوعی و خودروهای برقی را لغو کرد و همچنین دستور توقف جذب نیروی جدید در دولت فدرال را صادر نمود و کارمندان دولت را ملزم کرد به جای دورکاری، به محل کارشان برگردند.

ترمپ طی فرمانی ۹۰ روز توقف در کمک‌های توسعه خارجی اعمال کرد تا کارآمدی این کمک‌ها و سازگاریشان با سیاست خارجی ایالات متحده مورد ارزیابی قرار گیرد.

در فرمان اجرائی امضا شده از سوی ترمپ آمده است: «تمامی روسا و مدیران وزارتخانه‌ها و سازمان‌هایی که مسئولیت برنامه‌های کمک توسعه خارجی ایالات متحده را بر عهده دارند، بایستی بلافاصله از ایجاد تعهدات مالی یا پرداخت‌های جدید در حوزه کمک‌های توسعه خارجی خودداری کنند.»

ترمپ، با صدور فرمانی تحریم‌های اعمال شده از سوی دولت بایدن علیه شهرک‌نشین اسرائیلی و گروه‌هایی را که ظاهراً به اتهام ارتکاب خشونت در کرانه باختری وضع شده بود، لغو کرد.

او، روز دوشنبه همچنین تصمیم لحظه آخری دولت بایدن برای حذف کوبا از فهرست کشورهای حامی تروریسم ایالات متحده را لغو کرد.

میگل دیاز-کانل، رئیس‌جمهوری کوبا، به اقدام دونالد ترمپ، رئیس‌جمهور تازه سوگندخورده امریکا، در بازگرداندن کوبا به فهرست کشورهای حامی تروریسم ایالات متحده واکنش نشان داد و این تصمیم را «نمونه‌ای از تکبر و بی‌اعتنائی به حقیقت» توصیف کرد.

او در پستی در شبکه اجتماعی ایکس نوشت ترمپ در دوره نخست ریاست‌جمهوری خود، تدابیر محاصره اقتصادی علیه کوبا اعمال کرده بود، تدابیری که باعث کمبود کالا در این جزیره شد و کوبایی‌ها را به مهاجرت به ایالات متحده سوق داد.

ترمپ با امضای فرمانی ممنوعیت برنامه تیکتاک را، که قرار بود در ۱۹ ژانویه ۲۰۲۰- دی اجرا شود، به تعویق انداخت.

وقتی از ترمپ پرسیده شد این دستور با تیکتاک چه می‌کند، گفت: «فقط به من این حق را داد که آن را بفروشم یا تعطیلش کنم... و ما در این مورد تصمیم خواهیم گرفت.»

ترمپ با امضای فرمانی اجرائی به وزارت انرژی اجازه داد بازبینی درخواست‌ها برای تأیید مجوز صادرات گاز طبیعی مایع را هر چه زودتر از سر بگیرد. او در فرمان اجرائی جداگانه‌ای هم وضعیت اضطراری ملی در حوزه انرژی اعلام کرد.

یکی از فرمان‌های ترمپ که در کاخ سفید امضاء کرد، دستور شروع فرآیند خروج امریکا از سازمان بهداشت جهانی بود.

ترمپ گفت سهمی که امریکا برای اداره این سازمان پرداخت کرده در مقایسه با سهم پرداختی سایر کشورها، ناعادلانه بوده است.

ترمپ در عین حال تأیید کرد ممکن است این خروج اتفاق نیفتد: «آن‌ها به شدت می‌خواهند ما برگردیم، بنابراین باید ببینیم چه می‌شود.»



حمله طرفداران ترمپ به کنگره

نتیجه‌گیری

ترمپ بر این تصور است وقتی به قدرت رسید همه باید خود را آماده دنیای تازه‌ای کنند. ترمپ به اندازه تمام سران ایالات متحده امریکا تصمیمات عجیب و غریب گرفته است. تصمیماتی که جهان را انگشت به دهان نگه داشته است.

ترمپ هنوز تصور می‌کند که رئیس بنگاه‌ها و شرکت‌ها و ساختمان‌های خود است. او به مدیریت جهانی به‌مثابه مدیریت یک شرکت تجاری و معاملاتی نگاه می‌کند.

با این وجود، به نظر می‌رسد جنبش‌های آزادی‌بخش در ایالات متحده و در واقع در سراسر جهان با انتخاب دونالد ترمپ به‌عنوان رئیس‌جمهور امریکا با ضربه سهمگینی مواجه شده‌اند.

ترمپ ابزارهای بسیاری در اختیار دارد که دیگران فاقد آن بودند، از جمله تسلط کامل جمهوری‌خواهان بر هر دو مجلس نمایندگان و سنا و در اختیار داشتن ارتشی از هواداران جان بر کف و غیره.

همچنان‌که اهمیت این تحول را در می‌یابیم و برای واکنش دادن به آن بر مبنای اصول مارکسیسم و انسان‌دوستی و صلح آماده شویم. جنبش‌های اجتماعی و در راس همه جنبش کارگری نباید بیش از این نظاره‌گر صحنه سیاسی جهان باشد.

نباید این واقعیت را از ذهن دور بداریم که نژادپرستان و گرایش‌های راست افراطی با بازگشت مجدد ترمپ به کاخ سفید، از جمله در اورپا تحرک جدید را آغاز کرده‌اند. آن‌ها در نتیجه کمپین ترمپ جسارت پیدا کرده و افسار گسیخته شده‌اند. هنگامی که ترمپ قصد دارد ۱۱ میلیون لاتین‌تبار از امریکا بیرون بریزد شاخک‌های احزاب نژادپرست در اورپا نسبت به این تصمیم ترمپ تیزتر شده است.

اما این تنها آغاز ماجرا است، چرا که او با حمایت دیوان عالی کشور با ارتجاعی‌ترین چهره‌های قابل‌تصور، «اصلاحات مالیاتی» ای را پیش خواهد برد که نابرابری‌های اقتصادی چند دهه گذشته در مقام مقایسه، جایگاهی نخواهند داشت.

بر اساس بیانیه ترمپ او قصد دارد توافق اتمی بین ایران و امریکا را ملغی کند و خطری جدی برای آغاز دور جدیدی از خصومت‌هاست که به جنگ جدیدی در خاورمیانه منجر شود.

اکنون در کشورهای اروپائی چهره‌های تارمپیسم کم نیستند؛ ترمپ جسارت فوق‌العاده‌ای به جبهه ملی در فرانسه، حزب استقلال در بریتانیا (UKIP) در بریتانیا، حزب آلترناتیو در آلمان، حزب بهاراتیا جاناتا (BJP) در هند و بسیاری از دیگر احزاب ملی‌گرای نژادپرست و راست افراطی بخشیده است که در اورپا و سایر مناطق به میدان بیایند.

در هر حال، فروپاشی امروز نئولیبرالیسم نشان‌دهنده یک گام به جلو نیست، بلکه یک حرکت ارتجاعی به سوی ناسیونالیسم بدوی، نژادپرستی و زن‌ستیزی و جنگ‌افروزی است.

این ایده مارکس که رهائی تمام بشریت در گرو رهائی کارگران است، نباید به‌این سوءتفاهم میدان بدهد که گویا مارکس با نیل به‌این شناخت به‌جای رهائی انسان‌ها، تنها به‌رهائی کارگران اندیشیده است. موضع‌گیری پرشور مارکس برای رهائی بردگان سیاه در امریکا یا به‌نفع ملیت‌های ستم‌دیده‌ای مانند پولندی‌ها و ایرلندی‌ها، و نیز پشتیبانی او از قیام‌های تائی‌پینگ در چین و سپوی در هندوستان و همه لایه‌بندی‌های اجتماعی دیگری که هرگز نمی‌توان آن‌ها را پرولتاریا قلمداد نمود ...

پس هر گونه غفلت و بی‌تفاوتی جنبش‌های اجتماعی و در پیشاپیش همه جنبش کارگری و کمونیست‌ها، آزادی‌خواهان و برابری‌طلبان در مقابل این رویکرد ارتجاعی و فاشیستی، به سادگی به فجایع جدیدی در جوامع بشری منجر خواهد شد.

چهارشنبه سوم بهمن - دلو - ۱۴۰۳ = بیست و دوم جنوری ۲۰۲۵